

جرم شناسی مبتنی بر خبرسازی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۲۰، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۲)

دکتر سجاد فتاحی زفرقندی

دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آیت الله آملی

چکیده

توسعه جرم شناسی امروزه سبب شده است که در سیاست گذاری های کیفری، آموزه های جرم شناسی به رسمیت شناخته شود چون جرم شناسی یک دانش واقع گرا و واقع بین است؛ از هست ها سخن می گوید، باید نباید نمی کند، آرمانگرا و ایده آلیست نیست. در دوره ی معاصر بیش از هر دوره ای ما شاهد افزایش بحران های متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مسائل اجتماعی نظیر بیکاری، فقر، جرم، تبعیضات جنسیتی و نژادی، نابرابری ساختاری و نظایر آن در جهان هستیم. اساساً مساله ی قدرت و چگونگی استفاده از آن در روند شکل گیری این ساختار نابرابر و نیز اعمال تعصبات و تبعیضات ناروا نقش بسزایی ایفا می کند. جرم شناسان انتقادی وضعیت موجودی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم می آورد به چالش می کشاند. آنها همچنین دعوت به انجام اصلاحات بنیادی و ساختار اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اصلاحات لازم در نظام عدالت کیفری برای مبارزه و کنترل جرم می کنند. به همین منظور در این مقاله قصد داریم به بررسی جرم شناسی مبتنی بر خبرسازی بپردازیم.

واژگان کلیدی: جرم شناسی، مجرم، جامعه، اجتماع، جرم شناس، جرم شناسی خبرسازی

بخش اول: کلیات

از جمله رویکردهای حاکم بر جرم‌شناسی انتقادی، می‌توان به جرم‌شناسی خبرساز (Newsmaking criminology) اشاره نمود. جرم‌شناسی خبرساز خواهان حضور جرم‌شناسان منتقد در رسانه‌های گروهی از جمله تلویزیون، رادیو، سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و مجلات نظایر آن هستند تا رویکردهای انتقادی خودشان را در موضوعات مورد نظر، از جمله موضوعات مرتبط با جرم و عدالت کیفری در میان بگذارند. در این راستا، از جرم‌شناسان تجدد طلب و فعالین حقوق بشر دعوت می‌کنند که از هر فرصتی به منظور ارائه نظریات، تحقیقات، رویکردها و دیدگاههای خود در رسانه‌های گروهی با هدف اینکه صدای ایشان شنیده شود، استفاده کنند (دکسردی، ۱۳۹۴).

لازم به ذکر است که نظریه پرداز این تئوری (جرم‌شناسی مبتنی بر خبرسازی یا جرم‌شناسی خبرساز) گریگ باراک (Gregg Barak) استاد جرم‌شناسی دانشگاه Eastern Michigan آمریکا است که در سال ۱۹۸۸ این مفهوم را ارائه نموده است. وی در یک سخنرانی در بهار ۲۰۰۷، چگونگی تبیین این تئوری را اینگونه شرح می‌دهد؛

"بیست و یک سال قبل من با استفاده از دیدگاه‌های استن کوهن (Stan Cohen)، جاک یانگ (Jock Young)، استوارت هال (Stuart Hall)، تونی جفرسون (Tony Jefferson) و دیگران و مطابق با روش گرامشی (Gramscian) برای مبارزه با هژمونی و فاصله طبقاتی، مفهوم و عمل جرم‌شناسی خبرساز را معرفی کردم؛ این عمل با اشاره به فرایندهایی که جرم‌شناسان از تفسیر، اطلاع‌رسانی و تغییر تصاویر جرم و جنایت و عدالت، جرم و مجازات، مجرمان و قربانیان از ارتباطات جمعی استفاده می‌کنند، صورت

گرفت. به طور خاص، جرم شناسی خبرساز اشاره به تلاش های آگاهانه و فعالیت های جرم شناسان برای تفسیر، تاثیر و یا شکل دادن به آیت های ارائه شده قابل توجه در مورد جرم و عدالت دارد. علاوه بر این، جرم شناسی خبرساز: تلاش برای شناسایی تصاویر جرم و مجازات با قرار دادن تصاویر رسانه های جمعی از موارد جنایات «جدی» در زمینه فعالیت های غیرقانونی و مضر را دارد؛ و تلاش می کند تا نگرش ها، افکار و گفتمان های مربوط به جرم و عدالت را تحت تاثیر قرار دهد تا سیاست عمومی «کنترل جرم» را بر مبنای تحلیل ساختاری و تاریخی توسعه نهادی تسهیل کند. اجازه می دهد جرم شناسان از دانش خود بیرون بیایند و خود را به عنوان مواضع معتبر در عرصه های تشکیل دهنده مسالمت آمیز سیاست تشکیل دهند؛ و از جرم شناسان می خواهد که آنها زبان های مبتنی بر زبان و مهارت های ارتباطی مبتنی بر تکنولوژی را به منظور مشارکت در ایدئولوژی جرم و عدالت مورد استفاده قرار دهند". علاقه مردم به طرح موضوعات جنایی باعث می شود رسانه ها برای جلب مخاطب بیشتر و تاثیرگذاری بر آن به راهکارهای مختلفی تمسک جویند. برجسته سازی حوادث جنایی از مهم ترین راهکارهای مورد استفاده رسانه ها است. برجسته سازی شیوه ای است که رسانه ها با استفاده از آن موضوعی را (با پوشش وسیع، درشت نمایی و تکرار) پراهمیت جلوه می دهند. ایراد اصلی که بر رویکرد رسانه ها وارد است فقدان نگاه علمی آنها به جرم است. بدین معنا که به جای تحلیل علمی جرائم تنها به توصیف آنها و البته همراه با بزرگ نمایی اقدام می کنند. در بسیاری از موارد رسانه ها اطلاعات و نظراتی که از طریق مقام های رسمی مانند مقام های پلیس بیان می شود را منتشر می کنند و در مقابل به ندرت از دیدگاه ها و اندیشه های محققان و کارشناسان در تحلیل حوادث جنایی استفاده می کنند. از آنجایی که مقام های رسمی پاسخ های واکنشی را

بر راهکارهای کنشی اجتماعی ترجیح می‌دهند احتمال انتشار تحلیل‌های علمی و راهکارهای کارشناسی برای پیشگیری و مقابله با جرم بسیار اندک است. در بسیاری از موارد تحت تاثیر حوادث جنایی مهم رسانه‌ها همسو با سیاست مداران، به تحریک احساسات عمومی اقدام کرده و باعث می‌شوند دیدگاه‌های مخالف هرچند علمی و منطقی باشند، شنیده نشوند. در چنین شرایطی هرگونه مخالفت سیاست‌های عوام‌گرا به مثابه مخالفت با منافع اکثریت اجتماع تلقی شده و به شدت سانسور، محکوم و تخطئه می‌شود. در همین زمینه باراک اظهار می‌دارد " بر خلاف دیگر زمینه های تخصصی، هنگامی که بحث های عمومی در رسانه ها مورد مجادله قرار داده می شود، در مورد سیاست، مخاطبان از دانشمندان سیاسی می شنوند؛ در مورد اقتصاد، مخاطبان از اقتصاددانان می شنوند؛ در مورد آب و هوا، مخاطبان از هواشناسان می شنوند. اما، هنگامی که به بحث های عمومی در مورد جنایت و عدالت می رسد، مخاطبان به طور کلی از جرم شناسان نمی شنوند. این به این معنا نیست که تعداد جرم شناسان که به طور پیوسته در حال ظهورند، کم است و یا اصلاً وجود ندارد. برعکس، وقتی اغلب آنها به عنوان جرم شناس مورد استفاده قرار می گیرند به دلیل آن است تا اعتبار یا مشروعیت به داستان رسانه ای آنها بدهند. علاوه بر این، بعضی از این جرم شناسان در هر برنامه خبری تلویزیونی که دیده می شوند و در رابطه با موضوع جرم شناسانه صحبت می کنند هرگز صدا و اثر گفته هایشان فراتر از " اثر صدای نیش (sound-bite) حشرات " فراتر نمی رود؛ به گونه ای که می توان بیان داشت اینگونه جرم شناسی - اگر کسی بخواهد بر سیاستهای جرم و کنترل جرم در یک جهت متریقی تاثیر بگذارد- کارآمد نیست" (Gregg Barak, ۲۰۰۷). طرفداران نظریه صنایع فرهنگی معتقدند که رسانه‌ها از رسالت حقیقی‌شان به عنوان نهادهای آموزش‌دهنده فاصله

گرفته و به نشر مطالبی با محتوای سرگرم‌کننده و هیجان‌انگیز و تخدیرکننده اذهان می‌پردازند (رزمان، ۱۳۹۶).

به دلیل تلاش خبرنگاران برای جذابیت مطالب چاپ‌شده و جذب مخاطب بیشتر، اخبار جنایی معمولاً به شکلی توصیفی و به‌صورت تراژدی بیان می‌شود و این امر باعث می‌شود تا تحلیل علمی و منطقی مطالب مربوط به اخبار جنایی به دلیل کم‌طرفدار بودن آن مورد بی‌توجهی قرار گیرد. همچنین استفاده از متخصصان جرم‌شناسی و علوم اجتماعی برای تحلیل اخبار جنایی در روزنامه‌ها می‌تواند در این امر دخیل باشد. همان‌طور که یکی از اصولی که در جرم‌شناسی خبرساز بر آن تاکید شده است لزوم تلاش برای از بین بردن تحریف اخبار توسط رسانه‌ها و بیان ماهیت اصلی جرم است. امروزه به‌ندرت می‌توان گرایش جنایی، را یافت که در آن علل و عوامل وقوع حادثه و راه‌های پیشگیری از آن مورد تحلیل‌های کارشناسی قرارگرفته باشد. روش توصیفی و اغراق‌آمیز ارائه خبر نه‌تنها باعث افزایش اطلاعات عمومی مردم از جرائم و آمار واقعی آن نمی‌شود بلکه تصویری احساسی و بزرگ‌نمایی شده را به آن‌ها ارائه می‌دهد که در بسیاری از موارد می‌تواند باعث ایجاد احساس ناامنی در شهروندان و ترس از فضاهای عمومی و افراد بیگانه شود. این روش پخش خبر که متأثر از عوام‌گرایی کیفری است و به کرات حقوق مردم، منافع مردم، مطالبه عمومی و خواست عمومی استناد می‌نماید و عدم موافقت با آن‌ها هرچند علمی و منطقی به‌مثابه تقابل با مطالبات عمومی تلقی می‌شود. به دلیل سود آوری چاپ اخبار جنایی، به‌تدریج شمارگان و تعداد روزنامه‌های عامه‌پسند که اصطلاحاً روزنامه‌های زرد نامیده می‌شوند افزایش چشمگیری پیدا کرده است. طرفداران نظریه جرم‌شناسی خبرساز بر

این باورند که سازمان‌های خبری به‌شدت با یکدیگر رقابت می‌کنند تا سهمی از بازار به دست آورند و تصمیم می‌گیرند که در بازار سرمایه‌داری منافع خود را دنبال کنند. از آنجایی که نظارت دقیقی نسبت به این روزنامه‌ها صورت نمی‌گیرد، آن‌ها برای جذب مخاطب بیشتر به ارائه نام‌های مستعار و اهریمنی برای معرفی متهمین اقدام می‌نمایند و طبق تحقیقات صورت گرفته اکثر مخاطبان این روزنامه‌ها افرادی با تحصیلات متوسط هستند بنابراین به‌راحتی تحت تأثیر مطالب غیر مستند این روزنامه‌ها قرار می‌گیرند. و از آنجایی که خبرسازی‌های مبتنی بر عوام‌گرایی کیفری مبنای علمی نداشته و کارآمد نیستند تلاش می‌کنند تا با ترسیم دشمنی فرضی و ایجاد تصویری اهریمنی از او، بار شکست دولت‌ها را در ایجاد امنیت شهروندان بر دوش وی بگذارند و مسئولین را از زیر بار پذیرش مسئولیت شکست فراری دهند. به طور خلاصه، جرم شناسی خبرسازی، درخواستی از جرم شناسان بود و همچنان "خواستار عمل" است که آنها "عینیت" و "بی طرفی" خود را بدون ارزش گذاری کنار گذارند و تلاش کنند مردم را به سمت خودآزمایی آگاهانه درباره جرم و جنایت، عدالت و جامعه حرکت دهند. من همیشه تصور می‌کردم که این امر (و) یک نظم بسیار بلند در زمینه اقتصاد سیاسی رسانه‌های جمعی است."

به نظر می‌رسد برخی از جرم شناسان پیشنهاد می‌کنند که جرم شناسی خبرسازی واقعی کار بسیار دشوار و غیر ممکن است. آنها گوشزد می‌کنند که موفقیت در این امر در گرو تغییر نحوه گزارش دادن مسائل مربوط به جرم و عدالت کیفری، نیاز به دانستن فرمت، قالب و ژانر رسانه‌های خاص است. با این حال، بسیاری از جرم شناسان خبرسازی، با آزمایش و خطا، وظیفه خود را انجام می‌دهند. باراک و دیگران معتقدند که با درک

فرایندهای ارتباطی و طراحی در این مفهوم، جرم شناسان خبرسازی می توانند برای تغییر ادراکات، از رسانه استفاده کنند.

بخش دوم: اجرای جرم شناسی خبرسازی

باراک استدلال می کند که مهمترین جنبه جرم شناسی خبرسازی، توانایی جرم شناسان در ایجاد روابط با رسانه ها است. او تصدیق می کند که «تکنوکراتهای صنعت تولید اخبار» سهم مشترکی با رسانه های سرمایه داری دارند، این امر به این معناست که تکنوکرات ها همچنان ارزش آزادی بیان و عدالت را می دانند و اغلب با دیدگاه های علمی مسائل عدالت کیفری همراهی می کنند. باراک استدلال می کند که این شرایط پنجره فرصتی است که از طریق آن جرم شناسان می توانند وارد شده، روابط را توسعه دهند و تغییر نحوه گزارش جرم و جنایت را بیان کنند. باراک اظهار می دارد؛ هنگامی که ارتباط با رسانه ها برقرار می شود، جرم شناسان می توانند دغدغه های حرفه ای در مورد مسائل عدالت کیفری را بیان کنند. آنها می توانند منابع "رسمی" مانند ماموران اجرای قانون و سیاستمداران را در برخی موارد بکار گیرند. همچنین باراک ادعا می کند که جرم شناسان می توانند فراتر از نقش گزارشگری یا اطلاعات بالا حرکت کنند. او در مقاله ای از جرم شناسان خواست تا از "تولید موضوعات جرم و جنایت" شروع کنند. باراک توضیح می دهد که جرم شناسان می توانند "به عنوان یک صدای معتبر دولتی در این مراسم ها شرکت کنند، و به ارائه انواع تحلیل های غنی تئوریک که به اسطوره های جرم و جنایت دامن زده اند و گفتمان مردمی را درباره جنایت و عدالت گسترش می دهد، بپردازند". باراک نقش جرم شناسان خبرسازی را بیشتر از اینها تدوین کرده و می گوید که برای موثر بودن، جرم

شناسان باید درک کنند که رسانه ها چطور اخبار را شکل داده و می سازند. باراک ادعا می کند که جرم شناسان خبره موثر باید به سمت چارچوب های روایی درگیری های اجتماعی گرایش پیدا کنند، زیرا آنها اجازه می دهند که پوششی عمیق تر و تحلیلی از جرم و سیاست های عدالت کیفری داشته باشند.

بند اول: چشم انداز کنونی

رسانه ها همچنان به طور فزاینده ای توسط جناح های شرکتی کنترل می شوند و هنوز هم به عنوان "منابع رسمی" اخبار جرم به اجرای قانون تکیه می کنند. بر این اساس، وظیفه ای که جرم شناسان خبرسازی را تهدید می کند، همچنان دشوار است. باراک خودش اشاره کرده است که گزارش دهی جرایم در ۲۰ سال گذشته کمی تغییر کرده است. به همین علت، نقش جرم شناس خبرساز، مهم است. مروزه رسانه ها به خصوص رادیو و تلویزیون تأثیراتی آشکار، سریع، مستقیم، متعدد و بسیار نافذ بر جامعه دارند. رسانه ها یکی از مهم ترین نهادهای جامعه مدنی هستند که در زمینه پیشگیری از جرایم سه کاربرد دارند، یکی نقش آموزشی نهادها و تأثیر آن ها از طریق آموزش در راستای اجتماعی کردن افراد است. دومین نقش، نقش حمایت از افرادی است که ممکن است در معرض جرایمی قرار گیرند که این جرایم به طور مستقیم یا غیرمستقیم با رفع نیازهای مادی شان سروکار دارد. نقش سوم، نقش نظارتی نهادهای جامعه مدنی است، یعنی نظارت آن ها بر پدیده مجرمانه و اطلاع رسانی آن به مردم.

نتیجه گیری

اعتقاد بر این است که ؛ مهم است که صدای جرم و جنایتکاران ما در میان تمام صداها و تصاویر دیگر مرتبط با جرم و عدالت، به ویژه در صورتی که این صداها جایگزین و نه تمثیلات معمولی هستند، شنیده شود. به طور کلی، دیدگاه های جرم شناسان خبرساز که جرم و عدالت را مطالعه می کنند، رسانه ها و فرهنگ ها بر مبنای بازتاب، بینش و تحلیل پیچیدگی های واقعی است که برای عموم مردم شناخته شده نیستند. این پیچیدگی ها نه تنها به ادعای عدالت در رابطه با طبقه، نژاد و جنسیت، بلکه همچنین به روابط بین جنایت، جنایتکاران و کنترل جرم و نیز تعامل تاریخی همه این حوزه ها در ساخت اجتماعی "جرم"، "قانون"، "نظم"، و "عدالت" کمک می کند. جرم شناسان خبره با آگاهی از این پیچیدگی ها، خود را در جایگاه ویژه ای قرار می دهند تا ماهیت رابطه بین پرونده های جنایی و شیوه های عدالت کیفری در زندگی روزمره را شرح و توضیح دهند. ارزش نهایی جرم شناسی خبرسازی هنوز به طور کامل مشخص نشده است و با گذشت بیش از ۳۰ سال از زمان ظهور، تحقیقات همچنان ادامه دارد. در عین حال، جرم شناسی خبرسازی، آگاهی جرم شناسان را در خصوص فرایندهای خبرسازی و نقش های تعاملی آن ها با تصاویر جرم و عدالت افزایش می دهد.

منابع و مآخذ

- a) Barak, Gregg. (۲۰۱۶), "Newsmaking Criminology, Policy Making, and Popular Culture: Reflections from the Margins, Presented at ۳rd Annual International Crime, Media and Popular Culture Studies Conference, September ۲۶-۲۸, ۲۰۱۱", Journal of Criminal Justice and Popular Culture, p۹-۲۱.
- b) Greer, C. (۲۰۱۰), "News Media Criminology", in McLaughlin, E. and Newburn, T. (eds) The Sage Handbook of Criminological Theory, London: Sage.
- c) Reiner, Robert. (۲۰۰۲), "Media made criminality: The representation of crime in the mass media". In: Reiner, Robert and Maguire, Mike and Morgan, Rod, (eds.) The Oxford Handbook of Criminology. Oxford University Press, Oxford, UK, pp. ۳۰۲-۳۴۰. ISBN ۹۷۸۰۱۹۹۲۵۶۰۹۹
- d) Barak, Gregg. (۲۰۰۷), "Doing newsmaking criminology from within the academy", Theoretical Criminology, Volume ۱۱, Issue ۲, May ۲۰۰۷, SAGE Journals.

۱. فرجیها، محمد ؛ بازتاب رسانه ای جرم ؛ فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی،

سال ششم، شماره ۲ .

۲. رزمان، علی ؛ بررسی نقش رسانه ها در ارتکاب جرایم ؛ فصلنامه علمی -

حقوقی قانونی یار، دوره اول، بهار ۱۳۹۶.

۳. محسنی، رضا علی و حاتمی، مهران؛ رسانه و جرم: تحلیلی بر جنبه های آسیب شناختی و جرم شناختی تلویزیون و اینترنت ؛ روزنامه نگاری الکترونیک / سال اول / شماره اول / زمستان ۱۳۹۴.
۴. بیابانی، غلامحسین ؛ نقش رسانه در پیشگیری از جرم ؛ فصلنامه رسانه، سال بیست و چهارم، شماره ۳، ۱۳۹۲.
۵. آقائی، سارا ؛ رسانه و جرم از منظر جرم شناسی فرهنگی ؛ فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶ (پیاپی ۸).
۶. شیرمحمدی، مریم ؛ جرم شناسی انتقادی و آموزه های آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ؛ فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۱/۱، بهار ۱۳۹۶.
۷. والتراس. دکسردی، مهرداد رایجیان اصلی (مترجم) ؛ جرم شناسی انتقادی معاصر ؛ دادگستر، ۱۳۹۴.